

متن پرسش

با سلام خدمت استاد بزرگوار: دو مطلب -به ظاهر یکسان- از دو اندیشمند معاصر بیان می‌کنم و پرسش‌هایی را خدمت حضرتعالی عرض می‌کنم. آقای دکتر داوری در کتاب «علوم انسانی و برنامه‌ریزی توسعه» بیان می‌کنند: «ما تا زمانی که در علوم انسانی موجود به مراتب تحقیق و اجتهاد نرسیم، نمی‌توانیم در آن‌ها تحول پدید آوریم». همچنین آیت الله میرباقری در کتاب عصر جدید می‌فرمایند: «پس، در عمل باید به همین نسخه عمل کنیم که دانش غرب را فتح کنیم؛ حتماً نباید از آنچه در جهان می‌گذرد بی‌خبر باشیم؛ باید آن‌ها را بگیریم و تسخیر کنیم و سپس استحاله کنیم. قبل از تسخیر نمی‌شود اصلاح و ترمیم و استحاله کرد. شما تا به علوم روز مسلط نشوید، اصلاً نمی‌توانید کاری با آن انجام دهید». هر دو اندیشمند هم در ضمن مباحث تأکید می‌کنند که برای رسیدن به علوم انسانی مطلوب باید عالم و انسان دگری در صحنه باشد. حال پرسش‌هایی ذهن حقییر را درگیر کرده:

۱. بر اساس قاعده «فلینظر الانسان إلی طعامه» اگر ما به سمت مطالعه و تسلط و اجتهاد در علوم انسانی غربی برویم، آیا نوع نگاه و نگرش ما بر اساس همان اصول و بنیان‌های غربی شکل نخواهد گرفت و در این صورت، ایجاد یک عالم دگر، سالبه به انتفای موضوع نخواهد شد؟ این موضوع وقتی رنگ و بوی بیشتری هم می‌گیرد که جمله حضرت آقا را سرلوحه خودمان قرار دهیم: «علوم انسانی غربی ذاتاً مسموم». به این راحتی هم نمی‌توان گفت کسانی با فهم مسمومیت، به سمت این علوم بروند و بتوانند خودشان را حفظ کنند؛ چراکه به هرآنچه توجه کنی، با او مأنوس خواهی شد و مأنوس محبوبت تو خواهد شد. ۲. اگر برای تولید علوم انسانی اسلامی، باید در عالم دگری زیست کرد و عالم دگری در صحنه باشد، باید فهم از این عالم داشته باشیم؟ چه کسی و چه چیزی این تصور از عالم جدید را به ما می‌دهد تا بتوانیم بر اساس آن زیست دگری داشته باشیم؟ به غیر از آنکه فقط بگوییم «طلب» یک زیست دیگر آن کار را خواهد کرد. اگر اینگونه باشد، نیاز به ایجاد یک «طلب جمعی» در جهان موجود هستیم؛ این «طلب جمعی» به چه صورت خودش را می‌تواند در بین «بشر جدید» متجلی کند؟ آیا راهی به غیر از تولید علوم انسانی اسلامی و ایجاد ابزارها و تکنیک‌ها و محصولات بر اساس آن است؟ ما همیشه ممنون شما بابت تمامی زحماتی که برای توسعه معارف می‌کشید، هستیم؛ ان شاء الله به حق این روز عزیز و به برکت تولد حضرت فاطمه سلام الله علیها که مرئی این امت هستند، بهترین معارف را از ایشان دریافت کنید.

باسمه تعالی: سلام علیکم: همان‌طور که دقت کرده‌اید آری! به هر حال ما باید در جهان جدید حاضر شویم و در این رابطه نمی‌توانیم نسبت به علوم انسانی بیگانه باشیم. همه عرایض بنده در این رابطه در چهار جلد کتاب «جهان بین دو جهان» در همین رابطه است که با نوعی خودآگاهی نسبت به جهان موجود و با نظر به تاریخی که با انقلاب اسلامی شروع شده است در جهان، آری! در جهان باید حاضر شد ولی با مبانی انسان‌شناسی و زمان‌شناسی که در معارف الهیه خود بخصوص در «حکمت صدرایی» دارا هستیم. و از آن طرف، طلبِ جمعی با در میان‌گذاشتن نیهیلیسم منجر می‌شود تا عزم عبور از آن نوع بی‌معنایی در انسان‌ها طلوع کند. که البته بحث در این مورد بسیار است و در سال‌های اخیر در این رابطه عرایضی پیش آمده است. موفق باشید